

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه قم

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی

عنوان:

بررسی راهکارهای کاهش عناوین کیفری
در حقوق ایران

استاد راهنما: دکتر عادل ساریخانی

استاد مشاور: دکتر جلال‌الدین قیاسی

پژوهشگر: سعید ابوالحسنی

فصل: زمستان ۱۳۸۱

۴۵۴۵۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	چکیده
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: واژه‌شناسی و مبانی نظری جرم‌انگاری
۲۱	مبحث اول: واژه‌شناسی و تعریف اصطلاحی
۲۱	گفتار اول: مفهوم جرم
۲۲	الف) مفهوم لغوی
۲۲	ب) مفهوم اصطلاحی
۲۶	ج) مفهوم جرم‌زدایی
۲۷	د) مفهوم کیفرزدایی
۲۸	گفتار دوم: مفهوم مبنا

- ۲۸ الف) مفهوم لغوی ۲۸
- ۲۹ ب) مفهوم اصطلاحی ۲۹
- ۳۱ ج) فایده مبناشناسی ۳۱
- ۳۲ مبحث دوم: مبانی جرم‌انگاری ۳۲
- ۳۳ گفتار اول: الف - حقوق فطری ۳۳
- ۳۴ ب - بررسی حقوق فطری ۳۴
- ۳۹ گفتار دوم: الف - پوزیتیویسم ۳۹
- ۴۵ ب - بررسی پوزیتیویسم ۴۵
- ۴۹ گفتار سوم: حقوق اسلام ۴۹
- ۵۰ الف - حق قانونگذاری در اسلام ۵۰
- ۵۴ ب - مبنای قانونگذاری ۵۴
- ۵۵ ۱ - تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی ۵۵
- ۶۰ ۲ - احراز ملاکات احکام ۶۰
- ۶۴ ۳ - رعایت مصالح خمس ۶۴
- ۶۷ ج - جایگاه مقبولیت قوانین ۶۷
- ۷۱ د - قوانین ثابت ۷۱
- ۷۷ ه - تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام ۷۷
- ۸۳ ۱ - احکام حکومتی ۸۳
- ۹۱ ۲ - حکم ثانوی ۹۱

۱۰۰	فصل دوم: تورم کیفری و لزوم جرم‌زدایی در حقوق ایران
۱۰۶	مبحث اول: تورم کیفری و آثار آن
۱۰۶	گفتار اول: تورم کیفری
۱۱۱	گفتار دوم: آثار تورم کیفری
۱۱۶	مبحث دوم: جرم‌زدایی در حقوق ایران
۱۱۸	گفتار اول: لزوم جنبش جرم‌زدایی در حقوق ایران
۱۲۰	گفتار دوم: راهکارهای جرم‌زدایی در حقوق ایران
۱۲۰	الف - جرایم مشمول مجازات حد
۱۲۴	۱ - جرم‌زدایی
۱۲۶	۲ - کیفرزدایی
۱۲۸	۲ - ۱) اجرای حدود در زمان غیبت معصوم (ع)
۱۳۸	۲ - ۲) تعطیلی اجرای حدود با استناد به احکام حکومتی و ثانوی
۱۴۲	ب - جرایم مشمول مجازات قصاص و دیه
۱۴۴	۱ - جرم‌زدایی از جرایم مشمول قصاص
۱۴۶	۲ - کیفرزدایی از جرایم مشمول قصاص
۱۵۱	۳ - جرم‌زدایی از جرایم مشمول دیه
۱۵۳	ج - جرایم مشمول مجازات تغیری
۱۶۱	د - جرایم مشمول مجازات بازدارنده

گفتار سوم: بررسی عملی جرم‌زدایی در حقوق ایران، در رابطه با جرم فرار

- از خدمت نظامیان در زمان صلح ۱۶۷
- الف - فرار از خدمت در قوانین موضوعه ۱۶۸
- ۱ - قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۶۸
- ۲ - قوانین استخدامی نیروهای مسلح ۱۷۱
- ۳ - آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح ۱۷۳
- ۴ - قانون امور اداری و استخدامی ۱۷۶
- ب - اهمیت فرار از خدمت و غیبت نظامیان در زمان صلح ۱۷۹
- ج - عدم نیاز به استفاده از ابزار کیفری ۱۸۱
- د - ضمانت اجراهای جایگزین ۱۸۵
- نتیجه‌گیری** ۱۸۸
- منابع و مأخذ ۱۹۱
- چکیده به زبان انگلیسی (Abstract) ۱۹۷

رسم است که دانش‌آموختگان در ابتدای هر پایان‌نامه‌ای به حکم ادب و تشکر، تقدیرنامه‌ای را خطاب به استاد راهنما، مشاور و سایر اساتید خود می‌نگارند.

اینجانب اذعان می‌نمایم که نه به رسم معمول، بلکه به حکم منقول که:

«مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»

تنها باور قلبی‌ام را مسطور می‌نمایم و با کمال خضوع و فروتنی و حفظ کسوت همیشگی دانش‌پژوهشی که:

أَطْلُبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمُهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»

از اساتید راهنما جناب حجت‌السلام والمسلمین دکتر عادل ساریخانی و همچنین استاد مشاور جناب حجت‌السلام والمسلمین دکتر جلال‌الدین قیاسی که با دلسوزی و با صرف وقت خویش اینجانب را کمک و یاری نموده‌اند صمیمانه سپاسگذاری و تشکر می‌نمایم.

همچنین بر خود فرض می‌دانم که از زحمات فراوان ریاست محترم گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم، استاد فرزانه جناب دکتر محمود آخوندی در طی دوران تحصیل تقدیر و تشکر نمایم.

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

شما که ترنم آهنگ سخنانتان همواره در گوش جانم طنین انداز خواهد بود و زبانم قاصر از سپاس به پاس آن همه فداکاری است. اکنون هرچه دارم اول از خدا و بعد از شماست با هیچ کلامی یارای قدردانی از زحمات شما را ندارم.

تقدیم به همسر

که آینه چشمانت سفیر راستین پیام تلاش و از خودگذشتگی است و با زحمات و تلاش دلسوزانه و بی دریغ خود در همه حال در شادی و غم و در تفریح و تحصیل پشتیبان و همراه من بوده و هستی.

و تقدیم به

آنانکه آفتاب مهرشان در دلماں هرگز غروب نخواهد کرد.

چکیده

قانونگذار در رابطه با قوانین جزایی دو وظیفه بر عهده دارد:

اول، جرم‌انگاری عناوین جدید با توجه به نیاز روز جامعه.

دوم، حذف برخی عناوین مجرمانه که دیگر نیازی به استفاده از ابزار کیفری در مقابل آنها وجود ندارد. در صورت عدم توجه مقنن به هر یک از این دو، سیستم عدالت کیفری مواجه با خلأ قانونی و یا تورم کیفری خواهد شد.

بررسی راهکارهای کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد:

اول اینکه امروزه به دلیل عدم توجه مقنن به اصول و شرایط جرم‌انگاری و استفاده غیرضروری از مجازات در مقابل مشکلات اجتماعی، نظام کیفری ما مواجه با نوعی تورم کیفری و افزایش بی‌رویه عناوین مجرمانه گردیده است.

دوم اینکه وضع و اجرای برخی مجازاتها در ایران مورد اعتراض برخی سازمانهای بین‌المللی و بویژه نهادهای مدافع حقوق بشر بوده و از بُعد بین‌المللی نیز کشور با مشکلاتی مواجه است.

از طرف دیگر نظام حقوقی ایران و بویژه مقررات جزایی ما ریشه در احکام دین مبین اسلام و فقه امامیه دارد و لازم است هرگونه تغییر و تحولی در این رابطه از لحاظ شرعی نیز قابل توجیه باشد.

در مجموع به نظر می‌رسد در قسمت عمده مقررات جزایی ایران یعنی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده، امکان جرم‌زدایی و کیفرزدایی وجود دارد. چراکه وضع این مقررات در اختیار حاکم جامعه می‌باشد.

در مورد حدود و قصاص از آنجایی که جرایم مشمول این مجازاتها مربوط به ارزشهای والای انسانی و اسلامی هستند، امکان جرم‌زدایی از آنها منتفی است. اما در عین حال کیفرزدایی از این مجازاتها با توسل به احکام ثانوی و احکام حکومتی و سایر راهکارها و در راستای مصالح حکومت و جامعه اسلامی میسر می‌باشد.

در رابطه با دیه نیز، اگر آن را مجازات بدانیم، با عنایت به جنبه حق‌الناسی آن و ضرورت به هدر نرفتن خون افراد و جبران ضرر و زیان افراد امکان جرم‌زدایی از جرایم مشمول آن منتفی به نظر می‌رسد.

در این نوشتار ضمن بیان اصول و مبانی جرم‌انگاری سعی بر آن شده است که در کنار حذف برخی عناوین کیفری، ضمانت اجراهای مدنی، اداری و انضباطی برای مقابله با مرتکبین آنها پیشنهاد گردد.

واژه‌های کلیدی:

- | | | |
|-------------------------------------|-------------------------|--------------|
| ۱- جرم‌انگاری | ۲- جرم‌زدایی | ۳- کیفرزدایی |
| ۴- تأثیر زمان و مکان بر احکام اسلام | ۵- فرار از خدمت نظامیان | |

مقدمه

سالهاست که درباره نقض قوانین جزایی و مجازاتها بحث و گفت‌وگو شده است، و در اثر تلاش و کوشش عده‌ای از فلاسفه و حقوقدانان انسان‌دوست، تحولاتی نیز در نظامهای جزایی بسیاری از کشورها صورت گرفته است. در نتیجه در بسیاری از کشورها این تلاشها باعث پیدایش تغییرات در ماهیت و میزان مجازاتها و سایر وسایل مبارزه با بزهکاری و همین‌طور تغییر در شکل و شرایط زندان و سایر تأسیساتی که برای مقابله با مجرمین به کار می‌رود شده است.

بیشتر این تلاشها حول محور مجازاتها و به عبارت کلی‌تر واکنش اجتماعی در مقابل جرم شکل گرفته است. آنچه در دانشکده‌های حقوق تحت عنوان مکاتب حقوق جزا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، در واقع همین مکاتبی هستند که در ارتباط با واکنش اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه شکل گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد خود پدیده مجرمانه و جرم و خصوصیات و شرایط آن تا حدودی در مباحث حقوق جزا به

فراموشی سپرده شده باشد، و این در حالی است که اصلی‌ترین موضوع در حقوق جزا «جرم» می‌باشد، و حقوق جزا با تأسیس جرم است که متولد می‌گردد.

مباحثی چون، مجرم، مجازات، علل و عوامل ارتکاب جرم، همگی فرع بر خود جرم می‌باشند. تا جرمی وجود نداشته باشد همه این مباحث بیهوده است.

در اینجا منظور ما زمان ارتکاب جرم توسط فاعل آن نمی‌باشد، بلکه ما بحث را به عقب‌تر برده‌ایم و زمان تحقق جرم را وقتی می‌دانیم که مقام صلاحیت‌دار برچسب مجرمانه بودن را بر فعل یا ترک فعلی متصف نموده و آن را جرم اعلام می‌نماید. به این اعتبار جرم نه توسط فاعل آن، بلکه توسط قانونگذار یا به عرصه وجود می‌گذارد.

لذا یکی از اصلی‌ترین مباحث در حقوق جزا این است که، جرم گذشته از اعلام مقنن و قبل وضع یک قانون جزایی اصولاً باید دارای چه اوصاف و شرایطی باشد، که قانونگذار براساس احراز آن خصوصیات یک فعل یا ترک فعل را جرم اعلام نماید، به طوری که این جرم‌انگاری و برچسب‌زنی به درستی انجام گرفته و قابل توجیه باشد؟

جرم در بسیاری از موارد یک مفهوم ذاتی و طبیعی نیست که با طبیعت انسان هماهنگ بوده و در همه جوامع یکسان و یکنواخت باشد، حتی اگر جرم را، به اقدامات علیه نظم اجتماعی تعبیر نماییم، از آنجایی که ملاک و معیار نظم اجتماعی در جوامع و زمانهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد، لذا مفهوم جرم نیز متفاوت خواهد بود.

بنابراین، جرم غالباً با عبور از مرزهای زمینی و زمانی، دچار تغییر و تحول شده و مصادیق متفاوتی به خود می‌گیرد. عملی که در یک کشور ممکن است جرم و مستوجب مجازات شدید هم باشد. در کشور همسایه آن می‌تواند کاملاً قانونی تلقی گردد. همچنان‌که در طول زمان نیز مصادیق مجرمانه می‌تواند دچار تحول گردد. برخی از اعمال که تا پیش از این جرم بودند امروزه در بسیاری از کشورها فاقد عنوان مجرمانه می‌باشند.

مانند سقط جنین یا برخی صور روابط جنسی در کشورهای غربی، و یا جرایم علیه خاندان سلطنتی در کشورهایایی که تا پیش از این در آنها حکومت پادشاهی وجود داشته است.

اگرچه در بادی امر این طور به نظر می‌رسد که قانونگذار در وضع قانون و جرم‌انگاری می‌تواند آزادانه عمل نماید، و هر قانونی را به تصویب برساند، اما این فقط ظاهر قضیه است. قانونگذار از این راستا می‌باید یک سری اصول و شرایط و ضوابط را رعایت نماید و با لحاظ نمودن آنها برای نیل به اهدافی از پیش تعیین شده مبادرت به جرم‌انگاری و وضع قوانین جزایی بنماید، تا بتواند به اهداف خود از وضع قانون دست یابد.

علاوه بر اینکه قانونگذار می‌باید در هنگام وضع یک قانون نگاهی هم به مرحله اجرای آن داشته باشد و در نظر بگیرد که آیا قانون مورد نظرش قابلیت اجرایی دارد و امکانات لازم برای اجرای قانون موجود است و اینکه آیا اجرای قانون آثار و تبعات سوئی به دنبال نخواهد داشت، چراکه هدف اولیه یک قانونگذار از وضع یک قانون اجرای آن است نه توصیه به مردم یا تبلیغات. در غیر این صورت وضع قوانین جزایی و مقابله با معضلات و مشکلات گوناگون با ابزار کیفری و آن هم بدون توجه به اصول و مبانی جرم‌انگاری نه تنها اثری در حل مشکلات موجود نخواهد داشت، بلکه در بسیاری از موارد می‌تواند تبعات منفی به دنبال داشته باشد.

یک حقوقدانان، باید در ورای قوانین موجود، در خصوص خوب و بد بودن و صحیح یا غلط بودن یک قانون به مطالعه و تحقیق بپردازد، و قوانین موجود را با قواعد حقوقی و از جمله قوانین جزایی را با مبانی جرم‌انگاری مورد سنجش قرار دهد، والا بحث از قانون و فهم قوانین در بسیاری از موارد کاری بسیار ساده بوده و نیازی به تخصص حقوقی ندارد. زیرا قانونگذار در تدوین قوانین سعی در آن دارد که نحوه انشاء و نگارش قانون به ترتیبی باشد که برای عموم قابل درک و فهم باشد، چراکه قانون برای مردم وضع می‌شود، تا آن را در زندگی خود مد نظر قرار داده و به کار گیرند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در پاسخ به خواست اکثریت مردم به اداره جامعه براساس احکام اسلام، قوانین نیز دچار تغییراتی گردیدند، و شاید بیشترین این تغییرات در زمینه قوانین جزایی صورت گرفت،

که البته موضوع در جای خود عملی نیکو و پسندیده بود. اما در عین حال در طی این سالها در بسیاری از موارد اصول و مبانی وضع قوانین جزایی و بویژه در زمینه جرم‌انگاری آن‌چنان که باید لحاظ نگردیده است. قانونگذار در برخورد با مشکلات و معضلات گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره، بدون بررسی علل و عوامل و بدون آنکه به دنبال یافتن راههای مناسب به منظور مقابله با مشکلات باشد، همواره با توسل به ابزار کیفری و اتصاف عنوان مجرمانه، به ساده‌ترین راه متوسل گردیده است. غافل از اینکه استفاده نابجا از مجازات و کیفر در مواردی آثار دقیقاً معکوس به دنبال خواهد داشت، و کل سیستم عدالت کیفری را با مشکل مواجه خواهد نمود. لذا امروزه برخی مشکلات موجود در سیستم عدالت کیفری از جمله حجم زیاد پرونده‌ها و اطاله دادرسی که از معضلات محاکم نیز می‌باشد، تا حد زیادی مربوط به عملکرد قوه مقننه در خلق عناوین متعدد کیفری می‌باشد. نمونه بارز این قبیل قوانین، قانون چک می‌باشد که سالهاست به معضلی در سیستم قضایی تبدیل شده است و همه ارکان این سیستم از ضابطین دادگستری تا محاکم و زندانها را تحت الشعاع خود قرار داده است.

مشکل دیگری که در رابطه با قوانین جزایی وجود دارد، این است که وضع و اجرای برخی مجازاتها شرعی در جمهوری اسلامی ایران منجر به این گردیده است که حکومت اسلامی در دید جهانیان خشن و غیرانسانی قلمداد گردد و از این جهت امروزه ایران از سوی برخی سازمانهای بین‌المللی و بویژه نهادهای مدافع حقوق بشر تحت انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی و... قرار گیرد. در نتیجه وجود برخی قوانین جزایی از بُعد بین‌المللی هم برای ما مشکلاتی به وجود آورده است.

با این شرایط به نظر می‌رسد بازنگری در برخی قوانین کیفری و حذف برخی از عناوین کیفری یا تغییر در ماهیت برخی مجازاتها امری ضروری باشد.

از طرف دیگر قوانین جزایی ما عمدتاً با اقتباس از دین مبین اسلام و فقه امامیه تدوین گردیده است و برخی از این احکام ثابت و غیرقابل تغییر می‌باشند. فلذا سؤالات اصلی این پایان‌نامه عبارتند از:

الف - ملاک و مبنای جرم انگاری در حقوق جزای اسلام و به تبع آن حقوق جزای ایران چه می باشد؟

ب - باتوجه به اینکه قوانین جزایی ما عمدتاً مقتبس از احکام دین مبین اسلام می باشد و این احکام در بسیاری از موارد ثابت و لایتغیر و ابدی هستند، آیا می توان ضمن رعایت اصول و مبانی حقوق اسلام، به منظور هماهنگی با نیازهای روز جامعه، چه از بُعد داخلی و چه از بُعد بین المللی، از برخی مقررات جرم زدائی و یا کیفرزدایی نمود؟

ج - در صورت مثبت بودن پاسخ، محدوده این جرم زدایی یا کیفرزدایی شامل کدام دسته از جرائم شده و شرایط آن چیست؟

در رابطه با سئوالات فوق الذکر فرضیه ای که قابل طرح می باشد این است که، اولاً قوانین جزایی اسلام مانند سایر احکام آن به منظور سعادت و رستگاری انسان در دنیا و آخرت بوده و مطابق نیازهای واقعی بشر و در راستای حفظ ارزشهای والای انسانی وضع گردیده است. ثانیاً از آنجایی که اسلام دینی کامل و جامع می باشد و به منظور اداره بشر و پاسخگویی به نیازهای همه ابناء بشر و در تمام تاریخ نازل گردیده است و از طرفی نیازهای انسان در بسیاری از موارد متفاوت می باشد و دچار تغییر و تحول خواهد شد، لذا بنظر می رسد که مقررات جزایی اسلام به منظور هماهنگی با نیازهای روز جامعه از انعطاف لازم برخوردار باشد و ما بتوانیم با توسل به راهکارهایی که در خود احکام اسلام پیش بینی گردیده و با توجه به اوضاع و احوال و شرایط زمان و مکان مبادرت به جرم زدایی یا کیفرزدایی از این مقررات بنمائیم و البته این اقدامات نیز در راستای همان ارزشها و اصولی خواهد بود که مبنای تدوین احکام اسلام بوده اند.

بنابراین ما می توانیم با حذف برخی عناوین کیفری و حذف برخی مجازاتها ضمن رهایی از مشکلات موجود به منظور مقابله با این اعمال از ابزار دیگری از جمله ضمانت اجراهای مدنی و اداری و انضباطی استفاده نماییم.